نگاهی به فیلم سینمایی «زیر نور کم»؛

فروپاشیِ یک فروپاشی

فیلم «زیر نور کم» به کارگردانی «محمد پرویزی»، روایت زندگی فروپاشیده‌ای است که گرچه تمام شده، بر لحظه حال سایه افکنده و در حال فروپاشی زندگی دیگری است.

گروه سینما و تلویزیون- فیلم زیر نور کم به کارگردانی محمد پرویزی، ساخته سال ۱۳۹۹ که این روزها در پلتفرم‌های نمایش آنلاین درحال نمایش است، روایت زندگی فروپاشیده‌ای است که گرچه تمام شده بر لحظه حال سایه افکنده و در حال فروپاشی زندگی دیگری است.

این فیلم را می توان در یک جمله خلاصه کرد: «خاطرات لعنتی تمام‌شده‌ای که دست از سر زندگی برنمی‌دارند».

از همان ابتدا که نقاشی‌های معصومه مظفری با عنوان «گرمازدگی» به مخاطب نشان داده می شود و با همان نریشن ابتدایی فیلم که قسمتی از رمان چاپ نشده «یک شب بی‌پایان» خوانده می‌شود، می‌توان حدس زد فیلم در رابطه با خاطره و امر سپری نشده است. روایت زنی به نام رویا که روزگاری عاشق نویسنده‌ای در حال مرگ بوده است.

فیلم با این جملات شروع می‌شود:

من از آدم هایی که از زندگی ام رفته اند (تا به امروز) خلاصی ندارم. نمی توانم آنها را جایی رها کنم، چون به شکل های متفاوتی بازمی گردند و با لحظه های خوبِ زندگیم ترکیب می شوند. این درهم تَنیدگی آنها گاهی تکان دهنده است. سر زده کسی از راه می رسد دور میزی که نباید باشد حاضر می شود. شده با آنها ساعت ها و یا روزها جای دیگری بوده ام. همین وقت هاست که زندگی ام زیر و رو می شود ... به این خاطر که جایی که هستم، یا باید تاریک تاریک باشه، یا روشن روشن ... من از ماندن «زیر نورِ کم» می ترسم.

رویا (با بازی لیلا زارع) همانند اسمش در رویا زندگی می کند؛ رویای تلخی از گذشته و از دست دادن آدمی که دوستش داشته است را همه جا با خود می برد و این توهم زندگی در گذشته، زندگی حال حاضرش را هم دستخوش مشکلاتی ساخته است؛ همسرش حامد (با بازی صابر ابر) از این توهمات دائمی به تنگ آمده و در تعقیب رویا به دنبال ریشه این موضوع و پیدا کردن سایه‌ای است که بر زندگی مشترکش سنگینی می کند.

موضوعی که به صورت نمادین هم در فیلم مطرح می شود و حامد به شدت با نام گذاری سایه برای دختر هنوز متولد نشده‌اش مخالف است؛ چرا که از حضور سایه زندگی قبلی همسرش بر زندگی فعلی‌اش به شدت دلخور و مستاصل است؛ دلخوری ای که در صحنه مواجهه با رویا در خانه قبلی او با امید (با بازی حمیدرضا آذرنگ) بیرون می ریزد و به برخورد فیزیکی با لیلا منجر می شود.

لیلا در گذشته عاشق امید بوده است؛ امیدی که در کمال ناامیدی به دلیل یک بیماری لاعلاج روز به روز ضعیف تر می شود؛ در یکی از روزها درحالیکه رویا و امید در مسیر لواسان با ماشین حرکت می کردند ناگهان حال امید بد شده و نیاز به آب پیدا می کند. رویا ماشین را کنار جاده نگه داشته و پس از پیاده شدن، از ماشینهای دیگر تقاضای کمک میکند. ولی ناگهان ماشین حرکت کرده و به ته دره می رود و امید می میرد (ظاهرا امید خود موجب سقوط ماشین به دره می شود). همین مساله است که سالها ذهن رویا را درگیر می کند؛ حتی بعد از ازدواج با حامد.

در نهایت همه شخصیت های فیلم در ظاهر و اسم باقی می مانند و به درستی به مخاطب معرفی نمی شوند. به همین دلیل شناختی از این شخصیت ها شکل نمی گیرد و این موضوع در ترکیب با رفت و آمد مشوش فیلم به گذشته و حال باعث می شود که مخاطب در انتها نوعی از بی سر و ته بودن را دریافت کند

فضای خاکستری و سردی که تقریبا در تمامی فضاهای داخلی و خارجی این فیلم وجود دارد در ترکیب با زمان مجهولی که کارگردان برای روایت خود به کار گرفته، نوعی از دلزدگی را در مخاطب برمی انگیزد که آنچنان که باید مشتاق دنبال کردن داستان نیست؛ در حقیقت سازنده اثر در شکل روایت گذشته و حال به صورتی که برای مخاطب قابل درک و دریافت باشد، موفق نیست و تنها حال را با ترکیبی از روایت گذشته مشوش می سازد.

بر این اساس زیر نور کم در بیان روایت خود الکن است و نمی تواند آنگونه که شایسته است قصه خود را روایت کند و با زمان حالی که دائما با الحاق به گذشته مخدوش می شود، نوعی از سردرگمی را برای مخاطب رقم می زند.

لباس ها، ظاهر و آرایش یکسان لیلا در گذشته و حال باعث گیج شدن مخاطب می شود و این درهم آمیختگی زمان دنبال کردن خط داستانی را برای بیننده سخت و نچسب می سازد.

لیلا زنی است که در زندگی امروز خود مدام در گذشته پرسه می زند و بار عذاب وجدان تصمیمی که خودش نگرفته، لحظه ای دست از سرش بر نمی دارد.

بار اصلی روایت داستان بر عهده شخصیت نقش اول زن داستان یعنی لیلا زارع است؛ اگرچه او به خوبی از پس به تصویرکشیدن ابهامات، توهمات و افسردگی نقش‌اش برآمده است سایر بازیگران به خصوص صابر ابر در تکمیل این نقش و ارائه تصویری از یک زندگی که به بن بست رسیده، ناتوان بوده اند و کارگردان نمی تواند آنان را در قالب نقش هایی باورپذیر به تصویر بکشد.

فروپاشیِ یک فروپاشی

بازی حمیدرضا آذرنگ در قالب نویسنده بیماری که می داند روزهای آخر زندگی اش را سپری می کند و چون توان مقابله با این رنج را ندارد و به زندگی خود پایان می دهد قابل قبول است اما ایراد این نقش در تعریف او در فیلمنامه و در جایی است که نویسنده از او یک چهره ظاهری ترسیم می کند که هرگز به عمق نمی رود؛ مخاطب هرگز امید را به خوبی نمی شناسند و نمی داند که چرا او برای رویا مهم است چنان که بعد از مرگش هم لحظه ای نمی تواند او را از خاطر ببرد و این رنج مداوم، مدام زندگی‌اش را تیره می سازد.

بهناز جعفری هم که اسمش به‌عنوان یکی از نقش‌های اصلی آورده شده است اصلا نقش کلیدی‌ای ندارد و فقط چند دقیقه در فیلم حضور دارد.

در نهایت همه شخصیت های فیلم در ظاهر و اسم باقی می مانند و به درستی به مخاطب معرفی نمی شوند. به همین دلیل شناختی از این شخصیت ها شکل نمی گیرد و این موضوع در ترکیب با رفت و آمد مشوش فیلم به گذشته و حال باعث می شود که مخاطب در انتها نوعی از بی سر و ته بودن را دریافت کند؛ این فیلم موضوع مهمی را دستمایه روایت قرار داده است: «وقتی گذشته، حال را خراب می کند» اما نمی تواند آنچنان که باید (حتی به رغم استفاده از بازیگران قدرتمند) روایت درست و قابل قبولی از این معضل ارائه دهد.

محمد پرویزی نویسنده و کارگردان این اثر فارغ التحصل رشته سینما (گرایش کارگردانی) هنرمند بینارشته ای (Interdisciplinary artist) است که فعالیت‌های خود را از سال ۱۳۸۰ آغاز کرده است.

پرویزی همواره در فیلم های خود نویسندگی فیلمنامه را هم برعهده داشته و تجربه کار با بازیگران چهره سینمایی را در کارنامه خود دارد چنانچه در فیلم لابی مجموعه‌ای از بازیگران شناخته‌شده سینما همچون شهاب حسینی، مصطفی زمانی و سحر دولتشاهی استفاده کرده است. او در فیلم دیگرش سمفونی تولد هم از ترکیب بازیگران فیلم زیرنورکم (لیلا زارع، صابر ابر، حمیدرضا آذرنگ و بهناز جعفری) استفاده کرده است.

فیلم قبلی محمد پرویزی یعنی سمفونی تولد هم مانند آخرین اثرش، در مورد رهایی نیافتن از گذشته است.

احسان رسول‌اف، تهیه‌کننده فیلم زیر نور کم از کارگردانش شناخته‌شده‌تر است. او تهیه‌کننده آثار مهمی از جمله انیمیشن آخرین داستان و فیلم بمب، یک عاشقانه بوده است؛ همکاری احسان رسول‌اف در مقام تهیه‌کننده و به نمایش گذاشتن قسمت‌هایی از گالری محسن و سالن داربست، از نکات فرعی اما قابل توجه فیلم است.

بهترین فیلم‌های سیاه و سفید در تاریخ سینما

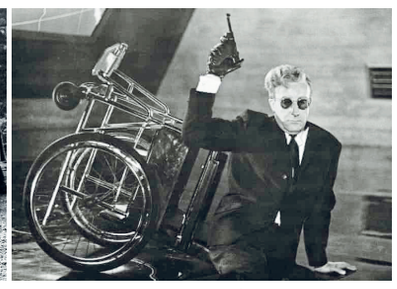

گروه سینما و تلویزیون- فیلم‌های کلاسیک و سیاه و سفید، همچنان جزو آثار تاثیرگذار تاریخ سینما محسوب می‌شوند.

در چند دهه گذشته، تولید فیلم‌های سیاه و سفید تا حدودی کنار گذاشته شده است. با این حال، وقتی صحبت از تاریخ سینما به میان می آید، فیلم‌های سیاه و سفید متعددی در ذهن ما تداعی میشوند که امروزه آثار شاخصی هستند. از فیلم‌های ژانر وحشت گرفته تا داستان‌های علمی تخیلی، درام و عاشقانه؛ فیلم‌های سیاه و سفید برخی از بهترین لحظات سینما را در اختیار دوست داران سینما قرار داده است. البته باید بدانید در سال‌های اخیر نیز فیلم‌های سیاه و سفید زیادی تولید شده که از جمله آن‌ها می توان به «فانوس دریایی» و «منک» اشاره کرد. در اینجا فهرستی کوتاه از بهترین فیلم‌های سیاه و سفید تاریخ سینما را می توانید ببینید.

بلوار سانست (۱۹۵۰)

بلوار سانست، یک داستان فوق العاده در مورد خود هالیوود است و ترکیبی بی نظیر از فیلم نوآر و کمدی سیاه محسوب می‌شود. این فیلم داستان یک بازیگر مسن به نام نورما دزموند را به تصویر می کشد که بازیگر فیلم‌های صامت بوده است. فیلمنامه نویس جوانی که به طور تصادفی به عمارت این بازیگر وارد شده با دزموند آشنا می‌شود و به دام او می‌افتد. به طرز شگفت انگیزی فوق العاده، داستان مملوء از اجراهای خارق العاده و لحظات کمدی است که به شما اطمینان می‌دهد این فیلم یکی از بزرگترین فیلم‌های سیاه و سفید است که تا به حال ساخته شده است.

فهرست شیندلر (۱۹۹۳)

استیون اسپیلبرگ استعداد سینمایی خود را در فهرست شیندلر استفاده کرده و فیلمی با موضوع هولوکاست ساخته است. این فیلم سینمایی که به شکل سیاه و سفید فیلمبرداری شده، داستانی بر اساس واقعی دارد. این فیلم بر روی یک تاجر آلمانی در لهستان متمرکز است که به منظور حمایت و محافظت از یهودیان، آن‌ها را در کارخانه اش استخدام می‌کند. این فیلم با موضوع منحصر به فردی که دارد یکی از اولین فیلم‌های سیاه و سفید است که باید ببینید

کلان شهر (۱۹۲۶)

فیلم صامت کلان شهر یا متروپلیس اثری هنرمندانه به کارگردانی فریتز لانگ است که داستان آن در سال ۲۰۲۶ روایت می‌شود. شهری که ساکنان آن به دو دسته «اندیشنده» و «کارگر» تقسیم شده‌اند و دسته نخست در آسمان‌خراش‌های مجلل بالای زمین و دسته دوم در دالان‌های کارخانه‌ای زیر زمین ساکن هستند. در این بین پسر یکی از افراد مهم شهر، عاشق فردی از طبقه کارگر جامعه می‌شود. فیلم سینمایی «کلان شهر» با لحظات خیره کننده و موضوعاتی که محدود به هیچ زمانی نیستند، به عنوان آغازگر سینمای مدرن شناخته می‌شود.

روانی (۱۹۶۰)

فیلم «روانی» به کارگردانی آلفرد هیچکاک شاید از ترسناکترین و البته شناخته شده‌ترین فیلم در این لیست باشد. داستان در مورد منشی است که مقدار زیادی پول می‌دزدد، در هتلی مخفی و سپس به طرز مرموزی کشته می‌شود. سکانسی از این فیلم سینمایی که یکی از شخصیت‌ها در هنگام قتل جیغ می‌کشد یکی از معروف‌ترین سکانس‌های تاریخ سینما محسوب می‌شود که در واقع امضای آلفرد هیچکاک در فیلم هایش است.

مهر هفتم (۱۹۵۷)

مهر هفتم، فیلمی سوئدی به کارگردانی اینگمار برگمان است و در مورد یک شوالیه خسته و سرخورده است که از جنگ‌های صلیبی بازگشته و با مرگ شطرنج بازی می‌کند.

کازابلانکا (۱۹۴۲)

کازابلانکا با بازی هامفری بوگارت و اینگرید برگمن، یک داستان عاشقانه و یک ماجراجویی هیجان انگیز است که در اوایل جنگ جهانی دوم در کازابلانکای مراکش اتفاق می‌افتد. امروزه، این فیلم یکی از بهترین آثار دوره خودش است که همچنان در مورد آن صحبت می‌شود و همچنان بر سنت سینما تأثیر می‌گذارد. این فیلم داستان یک مهاجر آمریکایی را دنبال می‌کند که با معشوق سابق روبرو می‌شود. این فیلم دارای پیچیدگی‌های زیبایی است که مدت‌ها بعد از تماشای فیلم با شما همراه خواهند بود.

دکتر استرنجلاو (۱۹۶۴)

این فیلم سینمایی با نام کامل «چگونه یادگرفتم دست از هراس بردارم و به بمب عشق بورزم» به کارگردانی استنلی کوبریک داستان یک ژنرال بی ثبات روانی را بررسی می‌کند که راه را برای یک هولوکاست هسته‌ای آغاز می‌کند و باعث ناراحتی تعداد زیادی از شخصیت‌های سیاسی و رهبران نظامی می‌شود که همگی در یک اتاق حضور دارند.

ربه کا (۱۹۴۰)

فیلم سینمایی ربه کا، نخستین فیلم آمریکایی آلفرد هیچکاک و همینطور تنها اثر اوست که موفق به کسب جایزه اسکار در جوایز آکادمی شده است. این فیلم که از رمانی به نوشته دافنه دوموریه اقتباس شده، ترکیبی از دلهره‌های وحشتناک و فضایی عجیب است. داستان در مورد زنی است که با ماکسیم وینتر که به تازگی همسرش را از دست داده ازدواج می‌کند. پس از مدتی جزئیاتی بیشتر از مرگ همسر ماکسیم مشخص می‌شود که زندگی او را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

کارگردان «گاندو» به سراغ «عقاب ارس» می‌رود

گروه سینما و تلویزیون- ابراهیم اصغری تهیه‌کننده سینما گفت که قرار است «عقاب ارس» را با همکاری جواد افشار بسازد.

ابراهیم اصغری تهیه‌کننده سینما درباره جدیدترین فعالیت‌های خود گفت: در حال حاضر مشغول فراهم آوردن مقدمات ساخت یک فیلم سینمایی و یک سریال برای شبکه نمایش خانگی هستم و تا یک ماه آینده این کارها به نتیجه می‌رسد. قرار است فیلمی تحت عنوان «عقاب ارس» را بسازیم که این فیلم به موضوع مقاومت سه مرزبان در هشتاد سال پیش در پل ارس می‌پردازد. فیلمنامه این اثر توسط اکبر تدبیری نوشته شده و به نظرم قصه خوبی دارد.

وی افزود: طبق توافقات و مذاکراتی که با بنیاد فرهنگی روایت فتح داشتیم قرار شد «عقاب ارس» را با همکاری این بنیاد بسازیم و طبق پیش بینی‌ها به نظرم بتوانیم تا یکی دو ماه آینده آن را کلید بزنیم.

تهیه کننده «تک تیرانداز» توضیح داد: طبق آخرین صحبت‌هایی که کرده‌ایم قرار است جواد افشار کارگردانی این فیلم سینمایی را بر عهده بگیرد. ما از اول سال به صورت جدی توافقات را انجام دادیم تا بتوانیم «عقاب ارس» را جلوی دوربین ببرم. قرار است بخشی از این فیلم در شمال غرب کشور، بخشی در اطراف تهران فیلمبرداری شود و با توجه به اینکه بخشی از فیلم به ابتدای حمله نیروهای بعثی به کشور می‌پردازد، «عقاب ارس» در جنوب کشور هم جلوی دوربین می‌رود.

اصغری اظهار کرد: به نظرم در این عرصه نهادهایی می توانند فیلم‌های موفقی تولید کنند که مدیریت فهیم و کاربلدی داشته باشند و موضوعات استراتژیک را مد نظر قرار دهند که خوشبختانه این اتفاق سال گذشته رخ داد و «تک تیرانداز» توانست با پشتیبانی و حمایت بنیاد فرهنگی روایت فتح و انجمن انقلاب دفاع مقدس به تولید برسد البته از همان موقع هم با دوستان روایت فتح به ویژه مدیرعاملش؛ سید یاشار نادری گفتگوهایی داشتیم و طرح «عقاب ارس» را مدنظر قرار دادیم. آقای نادری هم به شدت علاقه مند بودند این قصه به تولید برسد از همین رو در ماه‌های اخیر مراحل تحقیق و نگارشش انجام شد به همین ترتیب در حال حاضر فیلمنامه «عقاب ارس» به طور کامل آمده است و امیدوارم همین روزها شرایط تولیدش فراهم شود.

وی گفت: ما در حال مذاکره با بازیگران هستیم، امیدوارم تا آخر همین ماه این مرحله نیز انجام شود و شرایط تولید کاملاً قطعی شود. من به حوزه مقاومت علاقه دارم و با فیلم‌های دفاع مقدس سینمای حرفه‌ای را آغاز کردم بنابراین دوست دارم در همین ژانر فعال باشم البته اگر موضوعات دفاع مقدسی و مقاومتی در دست نداشته باشم به اجبار به سراغ فیلم‌های اجتماعی می‌روم. اصغری در پایان اظهار کرد: اگر فیلمنامه اجتماعی خوبی باشد تهیه کنندگی آن را به عهده می گیرم اما به هر حال علاقه‌مندی من به حوزه سینمای دفاع مقدس است.

جستجوی حاتمی کیا برای بازیگران سریال «حضرت موسی (ع)» ادامه دارد

گروه سینما و تلویزیون –فرزند ابراهیم حاتمی کیا به تازگی، فراخوان مربوط به انتخاب بازیگر برای سریال «حضرت موسی (ع)» را در صفحه اینستاگرام خود قرار داده است. مدتی است که به طور رسمی خبری از سریال «موسی» به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا وجود ندارد با این حال در همین ایام فراخوان‌های مختلفی در شهرهای کشور برای جذب بازیگر انجام شده است. به تازگی یوسف حاتمی کیا فرزند ابراهیم حاتمی کیا یکی از فراخوان‌های مربوط به انتخاب بازیگر را در صفحه خود در اینستاگرام قرار داده است. در این فراخوان که با عنوان «انتخاب بازیگر سریال موسی» منتشر شده درباره ملاقات با هنرمندان استان فارس طی روزهای ۱۴ تا ۱۷ مرداد در شهر شیراز اطلاع رسانی شده است. در این فراخوان به جزئیات مختلفی هم اشاره شده که از جمله آن می توان به این نکته اشاره کرد که تاکید شده است مقاضی به هیچ عنوان هیچ نوع عمل زیبایی (صورت، بینی، لب، گونه، تتو و ...) نباید داشته باشد.

«قهرمان» و «جاده خاکی» در جشنواره سارایوو

گروه سینما و تلویزیون –بیست و هفتمین جشنواره فیلم «سارایوو» در کشور بوسنی و هرزگوین میزبان نمایش دو فیلم ایرانی خواهد بود. «قهرمان» ساخته جدید اصغر فرهادی به همراه فیلم «جاده خاکی» اولین فیلم بلند به کارگردانی پناه پناهی در بخش نمایش در فضای باز بیست و هفتمین جشنواره فیلم سارایوو به نمایش گذاشته می‌شوند که از تاریخ ۱۳ تا ۲۰ آگوست (۲۲ تا ۲۹ مرداد) برگزار خواهد شد. فیلم «نظم نوین» ساخته «مایکل فرانکو» و «پاریس تگزاس» از «ویم وندرس» نیز از جمله دیگر فیلمهایی هستند که در برنامه نمایش در فضای باز جشنواره سارایوو حضور دارند. «مایکل فرانکو» و «ویم وندرس» امسال جایزه قلب افتخاری سارایوو را دریافت می کنند. فیلم «قهرمان» نخستین نمایش جهانی خود را ماه گذشته و در بخش رقابتی اصلی جشنواره فیلم کن تجربه کرد و در نهایت موفق به کسب جایزه بزرگ هیات داوران، دومین جایزه مهم جشنواره پس از نخل طلا شد.

بازیگر سریال «نفس گرم»:

نمی‌خواستم فقط نقش‌های مثبت بازی کنم

گروه سینما و تلویزیون- محمدصادق برقعی، بازیگر تئاتر و تلویزیون گفت: فاصله بین خود واقعیم و نقش هادی در این نمایش برایم جذاب است. سید محمدصادق برقعی، بازیگر تئاتر و تلویزیون درباره موضوع نمایش «خاک سفید» گفت: موضوع این نمایش درباره محله خاک سفید تهران است که اسفند ۱۳۷۹ از موجودیت خود خارج و با خاک یکسان شد. در واقع نمایش «خاک سفید» غربت آن منطقه را نشان می دهد که طیفی از آدم‌ها در این محل درگیر مواد مخدر هستند و وضعیت عجیب و غریبی دارند. البته مسئله فقط مسئله مکان محله خاک سفید نیست و در بستر آنجا مسئله ارتباط سه برادر با یکدیگر است که این سه نفر سردسته باند مواد مخدر بودند و برادر بزرگتر به دلیل وقوع اتفاقاتی کشته شده و حالا پس از گذشت روزهایی مشخص می‌شود که برادر دوم، برادر اول را کشته است و قصه از همین جا شروع می‌شود. وی درباره بازی در اجرای نقش خود در خاک سفید توضیح داد: بعد از بازی در سریال «زمین گرم» تلاش کردم نقشی متفاوت با آن نقش را بازی کنم تا برچسب نقش مثبت به من نخورد. هادی در «خاک سفید» چه از لحاظ ظاهری و از لحاظ‌های دیگر با نقشش در سریال «نفس گرم» بسیار متفاوت است. شخصیت هادی بسیار دراماتیک و فاصله اش با صادق برقعی بسیار زیاد و دور است. به نظرم همین فاصله شخصیتی بین خودواقعی و نقشم این نمایش را جذاب می‌کند. این هنرمند درباره تاثیرگذاری این نمایش گفت: تاثیرگذاری را باید خود نویسنده و کارگردان پاسخ بدهند اما اگر بخواهم از دید محمدرضا هلال زاده بگویم، خودش بچه محل همین خاک سفید است و دوست داشته که درباره آن متنی کار کند. اما هدف از اجرای نمایش برای اعضای گروه بیشتر یک موقعیت است. برای من خود شخصیت هادی که بازی کردم بسیار مهم بوده و اینکه در وضعیتی مخاطب را قرار می‌دهم که حتی در برخورد چرک عجیب کینه توزانه، نگاه هایمان را تغییر دهیم و خودمان را جای طرف مقابل بگذاریم که شاید از دید فرد مقابل هم دیدگاه وی درست باشد. هم چنین فرم اجرا و طراحی دکور به صورت رئالیستی است که برخی افراد لقب ناتورالیست هم می‌دهند که در این کار هر دو سبک درست است. وی درباره مشکلات اجرا و کرونا توضیح داد: این سوال جذابی است؛ یک مسئله کرونا است و بسیاری از این موجود عجیب غریب و ناشناخته آگاهیم و خدا کند از جهان رخت ببندد و واکسن خریداری شود. در جایگاهی نیستم که درباره واکسن غر بزنم. فقط درباره تئاتر صحبت می‌کنم و متوجه این رفتارها نمی‌شوم که چه طور ممکن است هر روز یک برنامه برای تئاتر داشته باشند. در پیک اول کرونا، هنگام تعطیلی سالن‌های تئاتر هیچ کس مخالف نبود اما سوال اینجاست که جماعت عظیم تئاتری در این یک سال و خرده‌ای چه کار باید بکنند؟ جواب این سوال را بالاخره باید فردی بدهد و حتی اگر جواب نداد، بشنود که این جماعت از چه راهی برای گذران زندگی و زنده ماندن ارتزاق کنند؟

وی افزود: چرا یک نفر در این جریان فکر نمی‌کند و البته انتظاری هم نیست. دوران کرونا برای ما دوران سختی است و جانمان را کف دستمان می‌گذاریم برای مردمی که به تخلیه ذهنشان اهمیت می‌دهند و تئاتر می‌بینند. تماشاگر این روزهای تئاتر به شدت ویژه است، همین که این ریسک را می‌پذیرد و به دیدن تئاتر می‌آید خیلی خوب است. گرچه شیوه نامه‌های بهداشتی در سالن‌های تئاتر رعایت می‌شود. وی درباره انتظاراتش گفت: به صورت مستقیم از هیچ وزیر فرهنگ و ارشادی هیچ وقت هیچ انتظاری نخواهیم داشت. کدام یک از وزرای فرهنگ و ارشاد در این سال‌ها با تئاتر آشنایی دارند؟ این معضلات فرهنگی هنگام رانندگی مردم فکر می‌کنید از کجا می‌آید؟ این را باید از وزیر فرهنگ پرسید زیرا نیازمند کار فرهنگی است. در کشورمان متاسفانه کار فرهنگی اتفاق نمی‌افتد و بودجه‌های تعریف شده حوزه فرهنگ معلوم نیست کجا خرج می‌شود. شاید تئاتر را جزو فرهنگ نمی‌دانند و اصلا شاید تعریف فرهنگ را ندانند. در کشور ما، فقط ۴ درصد مردم تئاتر می‌بینند و همین توضیح کافی است که بگوییم فرهنگ چیست و دوستان غر نزنند که مردم چرا تحت تاثیر رسانه‌های بیگانه هستند. شما فرهنگ را نمی‌شناسید و برچسب فرهنگی می‌زنید. برقعی درباره چالش‌های تفاوت نقش بازی در تلویزیون و تئاتر توضیحاتی ارائه کرد: بازی تئاتر و تلویزیون دو دنیای متفاوت است که شکل برگزاری شان مختلف است، اما در ذات یعنی مواجهه من بازیگر یکی است؛ رسیدن من به آن نقش چه در تلویزیون و چه در تئاتر یکسان است. تئاتر در پروسه اجرا کلنجار هر روزه است، نمایش یک چالشی است که همه اش سعی بر خراب کردن و نو کردن آن داریم، اما در کار تلویزیون این اتفاق نمی‌افتد. چیزی که در تصویر تلویزیون ساخته می‌شود و هر روز پرداخت بیشتری می‌شود. در تئاتر به واسطه جذابیتش لحظه‌های زیادی وجود دارد که ما می‌توانیم آن را خراب کنیم و دوباره از نو بسازیم.

وی در پایان درباره فعالیت های آتی خود گفت: در دو نمایش دیگر مشغول بازی هستم و هم چنین به تازگی فیلم کوتاهی ساختم و قصد دارم فیلم کوتاه دومم را بسازم که البته اسم این فعالیت ها را خاک بازی‌های خودم می‌گذارم. البته یک سری پیشنهاد سریالی هم دارم که اگر چالش جذابی باشد دوست دارم در سطح تولید بزرگ مجدداقرار بگیرم. نمایش «خاک سفید» به نویسندگی محمود احدی نیا و کارگردانی محمدرضا هلال زاده تا ۱۵ مرداد هر روز در سالن ارکیده پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌رود. سید محمد صادق برقعی، فرید رحمتی، میلاد معیری، مهدی یگانه و نساء یوسفی از جمله بازیگران این نمایش هستند.

نمایشگاه پرده هرمز
(مهندس مرتضی اصغری)
kish_pardehormoz.asghari
kish_pardehormoz.asghari
0914 457 4470
ارائه کلیه خدمات پرده و عرضه لوازم جانبی آن
کاغذ دیواری - پوستر - کالای خواب
طراحی و اجرای تخصصی دکوراسیون داخلی